

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



PROPOSAL

پروپوزال

مركز آموزش
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی



مركز آموزش
روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی

کارگاه آنلاین
روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی



ISI
Scopus

مركز آموزش
آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترکیه های جستجو

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترکیه های جستجو

چند معنایی در واژه‌ی «سبیل» در سوره‌ی نساء

با نظر به دیدگاه‌های مفسرین

دکتر احمد نهیرات a.nohairat@uok.ac.ir
استادیار دانشگاه کردستان
آزینا محمدی نژاد azitamohamadi71@gmail.com
دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه کردستان
فرزانه عباسی farzanehabbasi838@yahoo.com
دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه کردستان

چکیده

پدیده‌ی چند معنایی در آیات قرآن نقش مهمی در هماهنگ سازی آیات قرآن دارد. ضمنا بیانی از غنای معنایی در قرآن نیز هست، بگونه‌ای که همه معانی - بدون حاصل آمدن نقیصه‌ای - قابل تطبیق در مفهوم عام آیه هستند.

واژه‌ی سبیل از جمله واژگان چند معنا در قرآن کریم است که در معانی مختلفی در سوره‌ی نساء به کار رفته، همه معانی در انسجام بخشی به آیات مورد بحث و همه سوره تاثیرگذارند.

این واژه به تعداد 27 بار در 25 آیه این سوره گاهی به صورت ترکیب اضافی و گاهی غیر اضافی آمده است؛ و متناسب با مضمون کلی آیه و نیز متناسب با مضاف یا مضاف الیه خود بار معنایی متناسب با آیه‌ی خود می‌یابد.

فراوانی کاربرد این واژه و همچنین چند معنا بودن آن، وتبیین انسجام حاصل از آن در آیات مرتبط و کل سوره بر اساس دیدگاه معاصر چندمعنایی اهمیت این پژوهش را نشان می‌دهد. در این پژوهش کاربرد اضافی و غیر اضافی واژه‌ی سبیل مبنای تقسیم‌بندی است و از دیدگاه لغویون و مفسرین بهره برداری شده و میان دیدگاه آنها و پدیده چند معنایی رابطه‌ای برقرار شده است.

واژگان کلیدی: چند معنایی، سوره نساء، واژه سبیل، تفسیر، لغت شناسی.

1. پیشگفتار

فن سخنوری در زمان بعثت نبی مکرم اسلام (ص) مساله ای مهم و حیاتی در فهمیدن و فهماندن بشمار می‌رفت، و جامعه‌ی عرب اهمیت شگرفی به طرز بیان و ادای جملات و ارائه سخن می‌داد؛ لذا ضروری می‌نمود آخرین فرستاده‌ی خداوند با معجزه‌ای مطابق با نیاز و شرایط جامعه به سوی مردم آید. خداوند با نزول قرآن کریم بر قلب مبارک پیامبر (ص) اعجاب انس و جن را برانگیخت و همه افراد بشر در آوردن حتی جمله ای مانند آن عاجز ماندند. و همچنان بعد از گذشت 1400 سال از نزول آن هرروز تازه‌تر می‌نماید.

بررسی و شناخت محتوایی قرآن از همان دوران حیات رسول گرامی (ص) مطرح بوده است. خداوند در سوره‌ی نحل خطاب به رسول اکرم می‌فرماید: { وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ } نحل/44: «و ما این قرآن را بر تو نازل کردیم تا آنچه را که به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی؛ و شاید اندیشه کنند.» لازمه اندیشیدن در قرآن بر اساس آیه فوق الذکر، پس از تبیین مفاهیم آن حاصل می‌آید؛ این امر موجب گردید تا علمای اسلام از آغاز، بمنظور تبیین قرآن اقدامات لازم را مبذول داشته مفاهیم آن را برای جامعه روشن نمودند. چند معنایی در برخی واژگان قرآنی و شناخت آن در فهم قرآن نقش بسزایی دارد. این موضوع از همان اوایل ذهن مفسران را به خود مشغول داشته مایه ارئه مباحث بسیار گرانباری در این حوزه گشته است.

1.1 چند معنایی

از جمله مباحثی که مطالعات تفسیری قرآن با آن روبرو است؛ برداشت‌ها و بیان وجوه مختلف معنایی در تفسیر یک واژه و یا یک عبارت از قرآن کریم است. مقصود از چند معنایی این است که واژه‌ای دارای چند معنا بوده و در هر کاربرد در یکی از معانی‌اش به کار رفته باشد. و نیز گاه یک واژه در متن به گونه‌ای به کار رفته است که آن متن را برخوردار از چند معنا کرده است. (ر. ک طیب حسینی، 1389، ص 24) نکته قابل توجه اینکه «لفظ باید دارای چند معنا باشد؛ اعم از آنکه این معانی همگی معنای حقیقی باشند یا همگی معنای مجازی، و یا برخی معنای حقیقی و برخی دیگر مجازی.» (ر. ک طیب حسینی، 1389، ص 25)

این بحث سابقه‌ای کهن در مبحث تفسیر دارد و در گذشته «با عنوان‌های "حمل لفظ مشترک بر همه‌ی معانی‌اش" و نیز "استعمال لفظ در بیش از یک معنا" مورد توجه مفسرین، مترجمین و فقها قرار گرفته است؛ اما در هر صورت خاستگاه طرح بحث، قرآن کریم بوده است.» (طیب حسینی، 1387، ص 81) سیوطی نیز از این ویژگی به "اشتراک لفظی" یاد کرده است و این وجه را بزرگترین جنبه اعجاز قرآن کریم برمی‌شمارد. (سیوطی، 1998، ج 1، ص 387) پدیده چند معنایی در پی آن است که همه‌ی معنای یک واژه را در متن جست‌جو کند و معنایی را که همخوانی بیشتری با سیاق متن دارد؛ اختیار کند. «این پدیده حتی در واژگانی که در حیطه‌ی اضداد قرار می‌گیرند و دارای دو معنای متضاد می‌باشند نیز صادق است و تمامی معنای آن با بافت آیه همخوانی دارد.» (نهی‌رات، 1392، ص 120)

1.2 پیشینه‌ی پژوهش

- "چندمعنایی در قرآن کریم" (1389) عنوان کتاب سید محمود طیب حسینی است. این کتاب از منابع غنی پژوهش در بحث چند معنایی قرآن کریم است.
- "الوجوه و النظائر" (2007) از ابوهلال عسکری، ابوهلال این کتاب را در 29 باب مطابق باحروف الفبا تنظیم کرده است و در هر باب درباره وجوه معنای الفاظ یا موضوع‌هایی سخن گفته است.

- "بررسی و نقد نظریه‌ی چند معنایی بودن قرآن کریم" (1389) عنوان پایان نامه وحید سپهوند در مقطع کارشناسی ارشد است. در این نوشتار سعی شده است با استفاده از نقد مسائل علوم قرآنی (الوجوه و النظائر، محکم و متشابه، ظهر و بطن و زبان قرآن) که پایه‌ی این نظریه هستند به نقد و بررسی نظریه‌ی چندمعنایی بپردازد.
- «قرآن کریم و نظام چند معنایی» عنوان مقاله‌ی محمد علی ایازی است (بی تا). در این پژوهش سیر اندیشه‌ی چند معنایی و دسته بندی موافقان و مخالفان و عوامل و ادله‌ی موافقت و مخالفت هر یک مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.
- «بررسی مبانی فرامتنی چند معنایی در قرآن کریم» عنوان مقاله‌ی سید محمود طیب حسینی است (1387). این مقاله به بررسی مبحث چند معنایی در قرآن کریم می‌پردازد و در ضمن آن مبنا و اصول چند معنایی را که شامل دو بخش متنی و فرامتنی است، بررسی می‌کند.
- «نگرشی به نظام چندمعنایی در قرآن کریم» عنوان مقاله‌ای از احمد نهیرات و عباد محمدیان است (1392). در این پژوهش ضمن بررسی و تبیین نمونه‌هایی از الفاظ چندمعنا در جزء سی قرآن کریم، به بیان تفاوت نظریه‌های علمای قدیم و زبانشناسی جدید در مورد پدیده‌ی چند معنایی می‌پردازد.
- «الوجوه و النظائر فی القرآن الکریم» تالیف مقاتل ابن سلیمان، در این کتاب تحت عنوان "الوجوه" چند معنایی الفاظ بررسی شده است و در فصل دوم تحت عنوان "النظائر" لفظ‌های متفاوتی که در معنای واحد به کار می‌روند، بررسی شده است.
- «معناشناسی تاریخی و توصیفی واژه‌ی "سبیل" در قرآن کریم» عنوان مقاله‌ی سید ابوالفضل سجادی و سحر محبی است. در این پژوهش سیر تاریخی و توصیفی و معنایی واژه‌ی سبیل در کل قرآن کریم بررسی شده است.

با توجه به اینکه تاکنون بحث یا پژوهش مشخصی پیرامون چند معنایی واژه‌ی سبیل در سوره نساء بر اساس تطبیق دیدگاه مفسرین دو مذهب تشیع و تسنن صورت نگرفته است، لذا ضروری می‌نمود تا مقاله حاضر با هدف ابهام زدایی از معانی واژه‌ی سبیل و سپس ترجیح معنایی که با بافت آیه همخوانی بیشتری دارد، انجام شود.

3-1 سوالات تحقیق

الف: واژه سبیل در چند معنا در سوره نساء بکار رفته است؟

ب: رابطه میان معانی مختلف این واژه در سوره نساء چگونه است؟

ج: برداشت همسان و غیر همسان مفسران دو فریق شیعه و سنی در باره این واژه چیست؟

2 سوره نساء

سوره نساء جزء سوره‌های مدنی است، زمانی که پیامبر اسلام (ص) دست اندر کار تأسیس حکومت اسلامی و ایجاد یک جامعه‌ی سالم انسانی شد؛ به همین دلیل بسیاری از قوانینی که در سالم سازی جامعه مؤثر است، در این سوره نازل شده است. محتوای این سوره 176 آیه‌ای، دعوت به ایمان، عدالت، عبرت از امت‌های پیشین، قطع رابطه دوستانه با دشمنان خدا، حمایت از یتیمان، احکام ازدواج و ارث، لزوم اطاعت از رهبر الهی، هجرت، جهاد در راه خدا و مسائلی از این قبیل است. از آن جا که 35 آیه اول این سوره، درباره مسائل خانوادگی به ویژه زنان است، به سوره نساء (زنان) نام‌گذاری شده است.

نصر حامد ابو زید می‌گوید: «سوره‌های مکی به امور دینی که انبیاء بر آن اتفاق دارند، اختصاص دارد و همه‌ی مردم را مخاطب قرار می‌دهند، اما سوره‌های مدنی خطاب به اهل کتاب است و در جای جای آیات این سوره خطاب می‌فرماید: ای اهل کتاب، ای قوم بنی اسرائیل. بنابراین طبیعی است که مثلاً سوره نساء متضمن تفصیل احکام و شریعت است و به روابط اجتماعی بین بشر می‌پردازد؛ و حدود شرعی در زمینه‌ی روابط اجتماعی و زناشویی را بیان می‌کند.» (ابوزید، 1990، ص 180)

3. ریشه لغوی و معانی واژه سبیل

علاوه بر معانی لغوی واژه‌ها آگاهی بر تفسیر مفردات و عبارات و آیات قرآن، سهم عمده‌ای در فهم آیات قرآن دارد. واژه‌ی سبیل و مشتقات آن به طور کلی 174 بار در 46 سوره‌ی قرآن آمده است که بیشترین کاربرد آن در سوره نساء با 27 بار کاربرد در 25 آیه است. این واژه با معانی مختلفی در قرآن بکار رفته است. معنای لغوی "سبیل" در معجم مقاییس اللغه چنین نگاشته شده است:

سبیل: ریشه‌ی سه حرفی سین و باء و لام دلالت دارد بر معنای فرستادن چیزی از بالا به پایین: «اسبلت السحابه ماءها» یعنی ابر بارانش را به پایین فرستاد. و نیز امتداد یک چیز: سبیل به خاطر امتدادش، به این نام نام گذاری شده است. (فارس بن زکریا، بی تا، ج 3، ص 129)

لسان العرب معنی اصلی این واژه را "راه" بر می‌شمارد، هر چند معنای زیادی بنابر آیات برای آن بر می‌شمارد. (ابن منظور، 1119، ج 3، ص 1930)

ابو هلال عسکری 11 وجه معنایی برای این واژه برمی‌شمرد:

1. اطاعت از فرمان خداوند: {وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ} بقره/ 195 یعنی در فرمانبرداری از فرمان خداوند انفاق کنید.
2. توانایی مادی: {وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتِطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا} عمران/ 97 یعنی برای رضایت خداوند کسی که توانایی مادی دارد باید فریضه‌ی حج را بجای آورد.
3. راه نجات: {فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا} اسراء/ 48
4. عمل: {وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا} نساء/ 22 یعنی ازدواج با همسر پدر کار زشتی است.
5. عیب و نقص: {فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا} نساء/ 34 یعنی در آنها به جست جوی عیب و نقص یا بهانه نباشید
6. هدایت: {فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا} نساء/ 88 یعنی هدایت نمی‌یابد
7. مالکیت و تسلط: {وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا} نساء/ 141 یعنی کافران را بر مومنان هیچ تسلطی نیست.
8. دین: {وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ} نساء/ 115 یعنی از دین مومنان پیروی نمی‌کند.
9. راه: {لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا} نساء/ 98 و راه را نمی‌یابند
10. انتقام: {إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ} شوری/ 42

11. طاعت و قربت الی الله: { قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا } فرقان/ 57 (ابوهلال، 2007، ص 261)

مقاتل ابن سلیمان افزون بر این معانی به 4 معنای دیگر نیز اشاره می‌کند:
 راه و روش: { وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا } نساء/ 22،
 حجت یعنی عذر و بهانه: { وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا } نساء/ 141 و { فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا } نساء/ 90،
 دشمنی: { وَلَمَنْ ائْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ (41) إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ } شوری/ 41-42،
 گناه: { لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ } آل عمران/ 75 (ابن سلیمان، 2006، صص 192-194)

4. دیدگاه مفسرین پیرامون چند معنایی در واژه "سبیل"

با توجه به اینکه این پژوهش به بررسی دیدگاه مفسرین پیرامون واژه‌ی مذکور می‌پردازد، لذا 3 تفسیر بزرگ شیعی و نیز 3 تفسیر مشهور سنی را مورد بررسی قرار داده است؛ مقایسه‌ی دیدگاه مفسرین پیرامون معنایی که برای این واژه در هر آیه پیشنهاد می‌کنند، از اهداف این پژوهش است سپس نگارنده معنایی با توجه به مضمون کلی و بافت معنایی و نیز قرابت واژگانی در جمله پیشنهاد می‌دهد که به روایات نیز نظر دارد.

4.1 سبیل

واژه‌ی سبیل در سوره نساء 12 بار در سیاق نکره و غیر اضافی آمده است؛ و در ترکیب اضافی 13 بار به صورت مضاف (سبیل الله- سبیل المومنین- سبیل الطاغوت) و دو بار به صورت مضاف الیه (ابن السبیل و عابر السبیل) به کار رفته است. اکنون به کلیه آیاتی که واژه سبیل در آنها به صورت نکره آمده، می‌پردازیم:

آیه اول: { ... أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا } نساء/ 15

علامه طباطبایی این واژه را "راه علاج" تفسیر نموده است: یعنی خداوند راه علاجی برایشان قرار می‌دهد. همچنین مفسر اشاره می‌کند که روایتی نقل شده که رسول خدا (ص) وقتی آیه تازیانه در اول سوره نور نازل شد فرمود: این همان راه علاجی است که خداوند متعال در آیه‌ی 15 سوره نساء وعده اش را داده است. (المیزان، 1374، ج 4، ص 370)

مکارم شیرازی در تفسیر این آیه می‌گوید: «: "أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا" (و یا اینکه خداوند راهی برای آنها قرار بدهد) بنا بر این باید مجازات حبس در باره آنها ادامه یابد، تا مرگ آنها فرا رسد، و یا اینکه قانون جدیدی از طرف خداوند برای آنها معین شود. از این تعبیر استفاده می‌شود که این حکم، یک حکم موقت بوده، و از همان آغاز اعلام شده است که در آینده (پس از آماده شدن محیط و افکار) حکم جدیدی در باره آنها نازل خواهد شد.» سپس اشاره می‌کند: «برخی احتمال داده‌اند که منظور از جمله "أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا" این است که خداوند به وسیله دستور آینده در باره سنگسار کردن این گونه افراد، راهی برای آزادی آنها گشوده است، درست نیست، زیرا هیچگاه با تعبیر "لهن سبیل" (راهی به سود آنان) سازگار نمی‌باشد چه اینکه اعدام راه نجات نمی‌باشد. زیرا می‌دانیم قانونی که بعداً در اسلام برای مرتکبین زنا، محصنه، مقرر گردید، قانون "رجم" (سنگسار کردن) بود. (این قانون در احادیث پیامبر ص به- طور مسلم وارد شده است، اگر چه در قرآن به آن اشاره‌ای نگردیده است). (مکارم شیرازی، 1374، ج 3، ص 307)

به نظر ایشان از این عبارت معلوم می‌شود که: «آیه فوق هرگز نسخ نشده، زیرا نسخ در مورد احکامی است که از آغاز به صورت مطلق گفته شود، نه به صورت موقت و محدود، در حالی که آیه فوق حکم "حبس ابد"، را به عنوان یک حکم محدود و موقت ذکر کرده است. و اگر مشاهده می‌کنیم که در پاره‌ای از روایات تصریح شده، که آیه فوق به وسیله احکامی نسخ گردیده است، منظور از آن نسخ اصطلاحی نیست، زیرا نسخ در زبان روایات به هر گونه تقيید و تخصیص حکم گفته می‌شود.» (مکارم شیرازی، 1374، ج 3، ص 308)

طبرسی نیز در تفسیر این واژه به حکم سنگسار و تازیانه که در آیه 2 سوره نور به آن اشاره شده است، توجه نموده است. (طبرسی، 1360، ج 5، ص 67)

ابن کثیر می‌گوید: سبیل در این آیه صدور حکم جدید و نسخ این آیه را نوید می‌دهد. ابن کثیر به نقل از ابن عباس می‌گوید: «حکم همچنان (حبس) بود تا اینکه خداوند سوره نور را نازل فرمودند و حکم حبس نسخ شد و حکم تازیانه و سنگسار صادر شد.» (ابن کثیر، 1420، ج 2، ص 233) از عکرمه و ضحاک و نیز قتاده نقل شده که این آیه منسوخ شده و این امری است که بر آن اتفاق شده است. (ابن کثیر، 1420، ج 2، ص 234)

ابن عاشور به نقل از ابن عطیه می‌گوید: علماء اجماع کرده اند که این آیه پس از نزول سوره نور و آیه تازیانه (آیه الجلد) منسوخ شد و سبیل به معنای صدور حکم جدید و نسخ حکم ماقبل است. (ابن عاشور، 2000، ج 4، ص 56) بنابراین سبیل استعاره از عقوبت و سرانجام است که به راه تشبیه شده است و ابن عاشور با عبارت "العقاب المناسب" از آن یاد کرده است. (ابن عاشور، 2000، ج 4، ص 58) و نیز ابن عربی می‌گوید سبیل یعنی نسخ این حکم. (ابن عاشور، 2000، ج 4، ص 59) قائلان به حکم نسخ این آیه و صدور حکم سنگسار بر این حدیث پیامبر استدلال می‌کنند: و زن زنا کار را صد تازیانه بزیند و او را سنگسار کنید و دوشیزه‌ی زناکار را 100 تازیانه بزیند و یکسال تبعید کنید. و این گفته را به امام شافعی نسبت داده‌اند. (ابن عاشور، 2000، ج 4، ص 61)

آلوسی واژه "سبیل" در این آیه را راه رهایی از حکم حبس تفسیر نموده و اشاره می‌کند که سبیل در واقع همان صدور حکم سنگسار و تازیانه و تبعید فرد زناکار است. (آلوسی، 1415، ج 2، ص 444)

نتیجه: واژه‌ی سبیل در این آیه طبق نظر مفسرین به 3 معنا آمده است: 1- راه علاج 2- قانون یا حکم جدید 3- نسخ حکم ماقبل و صدور حکم جدید. همه‌ی معانی ذکر شده را می‌توان در سیاق معنایی آیه گنجاند. نکته‌ی قابل توجه این است که هیچکدام از مفسرین شیعه به قضیه نسخ و بعد معنایی الغای حکم ماقبل اشاره ننموده‌اند؛ این در حالی است که مفسرین اهل سنت با استدلال روایی معتقدند هسته معنایی این واژه ضمن در بر داشتن معنای حکم جدید؛ حاوی معنای نسخ حکم قبلی نیز می‌باشد.

آیه دوم: {... إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا} نساء/22

مکارم شیرازی واژه "سبیل" را در معنای روش و منش می‌داند "وَسَاءَ سَبِيلًا" یعنی: «روش نادرستی است.» (مکارم شیرازی، 1374، ج 3، ص 325) ولی ابن کثیر بنا بر روایتی معنای سرانجام را برای آن بر می‌گزیند: همانا پس از نزول این آیه پیامبر (ص) در زمان حیاتشان دستور قتل یا اعدام و اخذ اموال مردی را صادر کردند که با همسر پدرش ازدواج کرد. سپس مفسر اشاره می‌کند بنا بر این روایت سبیل در این آیه یعنی سرانجام. (ابن کثیر، 1420، ج 2، ص 245)

نتیجه: واژه سبیل در این آیه دو وجه معنایی دارد: 1- سبک و روش 2- سرانجام. با توجه به اعمال حکم اعدام (که در روایات به آن اشاره شده) پس از نزول این آیه برای فردی که با همسر پدرش ازدواج کند؛ معنای سرانجام با بافت معنایی آیه همخوانی بیشتری دارد.

آیه سوم: { ... فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا } نساء/34

« یعنی اگر در اثر اعمال آن سه راه علاج به اطاعت از شما درآمدند، دیگر علیه آنان بهانه جویی نکنید و برای اذیت و آزارشان دنبال بهانه نگردید.» (طباطبایی، 1374، ج4، ص 546)

« اگر آنها اطاعت کنند به آنها تعدی نکنید.» (مکارم شیرازی، 1374، ج3، ص 374) صاحب تفسیر مجمع البیان می‌گوید: « اگر از نافرمانی دست کشیدند، راهی برای زدن و ترک همخوابگی که در موقع نافرمانی تجویز شد، برایشان ندارید. این معنی از ابو مسلم و ابو علی جبایی است. سفیان بن عیینه گوید: منظور این است که آنها را به محبت، تکلیف نکنید و همین که ظاهر ایشان با شما درست شد، به باطنشان کاری نداشته باشید.» (طبرسی، 1360، ج5، ص 136) نیز ابن کثیر واژه را در همین معنا (مجازات) تفسیر میکند. (ر.ک ابن کثیر، 1420، ج2، ص 295) ابن عاشور نیز به معنای مجازات و اقدام به تنبیه توجه می‌کند. (ر.ک ابن عاشور، 2000، ج4، ص 117) آلوسی ضمن اشاره به معنای " مجازات " به نقل از ابن عیینه می‌گوید: زنانان را مجبور نکنید که به شما محبت کنند. (آلوسی، 1415، ج3، ص 26)

نتیجه: واژه‌ی سبیل در این آیه 4 وجه معنایی دارد: 1- بهانه جویی 2- تعدی 3- مجازات 4- اجبار به محبت به نظر نگارنده معنای اول و چهارم یعنی بهانه جویی و اجبار به محبت، وجه معنایی زیباتری می‌نمایند.

آیه چهارم: { ... وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ } نساء/44

طباطبایی می‌گوید: سبیل یعنی سعادت و تعالی معنوی. یعنی یهودیان می‌خواهند که شما سعادت و تعالی معنوی خویش را از دست دهید. (طباطبایی، 1374، ج4، ص 578) مکارم شیرازی می‌گوید: یهودیان و اهل کتاب می‌خواهند شما وسیله‌ی هدایت را گم کنید. (مکارم شیرازی، 1374، ج3، ص 402) و طبرسی می‌گوید: آنها می‌خواهند شما راه حق که همان اسلام است را گم کنید. (طبرسی، 1360، ج5، ص 167) ابن کثیر می‌گوید: یعنی می‌خواهند هدایت و علم سودمندی که به شما رسیده است را رها کنید. (ابن کثیر، 1420، ج2، ص 323) نیز ابن عاشور به معنای " هدایت " اشاره کرده است. (ر.ک ابن عاشور، 2000، ج4، ص 143) آلوسی می‌گوید یعنی می‌خواهند شما را از " راه راست هدایت " گمراه کنند. (آلوسی، 1415، ج3، ص 45)

نتیجه: واژه‌ی سبیل در این آیه 4 وجه معنایی دارد: 1- سعادت و تعالی معنوی 2- وسیله‌ی اطاعت 3- اسلام 4- هدایت. با توجه به قرار گرفتن واژه ضلالت در جمله، معنای هدایت همخوانی بیشتری با سیاق کلی آیه دارد.

آیه پنجم: { ... وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا } نساء/51

طبرسی می‌گوید یعنی آنها به دین نزدیک‌ترند. (طبرسی، 1360، ج5، ص 187) آلوسی نیز به همین معنا اشاره می‌کند و می‌گوید یعنی دینشان استوارتر و راهشان درست‌تر است. (آلوسی، 1415، ج3، ص 54)

آیه ششم: { ...وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا } نساء/88

طباطبایی می‌گوید: یعنی هدایتی برای آنها نمی‌یابی (طباطبایی، 1374، ج5، ص 45) نیز مکارم شیرازی و طبرسی به معنای " هدایت " اشاره می‌کنند. (مکارم شیرازی، 1374، ج4، ص 50؛ طبرسی، 1360، ج5، ص 281) ابن کثیر می‌گوید یعنی راه هدایت و خلاصی برای او نیست (ابن کثیر، 1420، ج2، ص 371) آلوسی در تفسیر این آیه برای واژه سبیل دو وجه معنایی ذکر می‌کند: 1- هادی: یعنی هیچ هدایتگر برای او نیست 2- حجه (دلیل، بهانه): یعنی کسی را که خدا گمراه کند نباید دنبال دلیل و بهانه علت گمراهی بود. (آلوسی، 1415، ج3، ص 105)

نتیجه: واژه‌ی سبیل در این آیه 3 وجه معنایی دارد: 1- هدایت 2- هدایت‌گر 3- حجت. تمامی این معنای را می‌توان در سیاق معنایی و تفسیری آیه گنجانند؛ اما با توجه به معنای فاعلی جمله‌ی ماقبل- هر که را خدا گمراه کند- معنای هدایت‌گر وجه معنایی زیبا تری را می‌رساند.

آیه هفتم: { فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا } نساء/90

طباطبایی می‌گوید: سبیل در این آیه با توجه به معنای آیه پیشین (که دستور قتال و جهاد فرموده) به معنای جنگ است (طباطبایی، 1374، ج 5، ص 45)، مکارم شیرازی، ابن کثیر و آلوسی به همین معنا اشاره نموده‌اند. ر.ک مکارم شیرازی، 1374، ج 4، ص 56؛ ابن کثیر، 1420، ج 2، ص 372؛ آلوسی، 1415، ج 3، ص 107) طبرسی می‌گوید یعنی شما بر جان و مال آنان حق تعرض ندارید. (طبرسی، 1360، ج 5، ص 286) ابن عاشور می‌گوید سبیل در این آیه به معنای عقوبت است. (ابن عاشور، 2000م، ج 4، ص 214)

نتیجه: واژه‌ی سبیل در این آیه 3 وجه معنایی دارد: 1- جنگ 2- تعرض 3- عقوبت. به نظر می‌رسد چون موضوع کلی آیه در مورد جنگ و صلح است معنای اول یعنی جنگ که دو مفسر بزرگ آیت الله طباطبایی و آیت الله مکارم شیرازی به آن اشاره کرده‌اند، معنای رساتری به ذهن القا می‌کند.

آیه هشتم: { ... لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا } نساء/98

طباطبایی می‌گوید: « بنا بر این مراد از سبیل بطوری که سیاق آن را می‌رساند اعم از راههای محسوس و غیر محسوس است، هر دو را شامل می‌شود در حقیقت استثناء نموده است کسانی را که اهل مکه‌اند و برای مهاجرت راه مدینه را بلد نیستند و راه چاره‌ای هم برای نجاتشان از شر مشرکین و از استضعاف در برابر عذاب و فتنه آنان سراغ ندارند.» (طباطبایی، 1374، ج 5، ص 79) طبرسی می‌گوید: « اینها تدبیری ندارند و راهی بلد نیستند که خود را از مکه، خلاص کنند. مجاهد و قتاده و جماعتی از مفسران گویند: بواسطه اینکه راه را نمی‌شناسند، نمی‌توانند راه مدینه را پیدا کنند.» (طبرسی، 1360، ج 6، ص 7) ابن کثیر واژه‌ی سبیل را به معنای راه نجات تفسیر کرده است. (ابن کثیر، 1420، ج 2، ص 390) نیز ابن عاشور می‌گوید: یعنی توانایی تشخیص و شناسایی راه را ندارند(ابن عاشور، 2000م، ج 4، ص 234) آلوسی نیز در تفسیر این واژه به معنای عدم توانایی در شناسایی راه مهاجرت و خروج، اشاره می‌کند. (آلوسی، 1415، ج 3، ص 122)

مفسرین واژه‌ی " سبیل " را در این آیه به دو وجه معنایی تفسیر کرده‌اند: یکی معنای واقعی راه بعنوان مسیر یا جاده‌ای که در آن تردد می‌شود که مقصود راه مدینه است که مسیر مهاجرت مسلمانان بود ؛ دوم راه در سیاق معنای مجازی چاره جویی و نجات. سیاق کلی آیه با توجه به قرار گرفتن واژه‌ی "حیله" در معنای چاره‌جویی، معنای مجازی این واژه که بیشتر مفسرین به آن اشاره کرده‌اند همخوانی بیشتر با معنای کلی آیه دارد.

آیه نهم: { ... لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا } نساء/137

مکارم شیرازی می‌گوید: یعنی به راه راست هدایت نمی‌شوند(مکارم شیرازی، 1374، ج 4، ص 169) طبرسی و نیز آلوسی دیدگاه مشابهی پیرامون این واژه دارند: یعنی خدا آنها را به بهشت هدایت نمی‌کند(طبرسی، 1360، ج 6، ص 98؛ آلوسی، 1415، ج 3، ص 165) در تفسیر ابن کثیر این چنین معنا شده: یعنی هیچ فرج و گشایشی ندارند و هرگز

از شقاوت راه خروجی نمی‌یابند و هیچ راهی به سوی هدایت برای آنها نیست. (ابن کثیر، 1420، ج 2، ص 434) مفسرین 3 وجه معنایی برای واژه‌ی سبیل در این آیه ذکر نموده‌اند: 1- راه راست 2- بهشت 3- فرج و گشایش. با توجه به سیاق کلی آیه که پیرامون گمراهی و سرگردانی کفار است و درباره‌ی مرتدین است لذا معنی اول یعنی راه راست سنخیت بیشتری با بافت کلی آیه دارد و این معنا در کنار واژه‌ی «یهدی»، به معنای آیه انسجام می‌بخشد.

آیه دهم: { ... وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا } نساء/ 141

طباطبایی واژه‌ی سبیل را به معنای غلبه و تسلط تفسیر کرده است (طباطبایی، 1374، ج 5، ص 189) نیز مکارم شیرازی به این معنا اشاره کرده است و می‌گوید: « از آنجا که کلمه " سبیل " به اصطلاح از قبیل " نکره در سیاق نفی " است و معنی عموم را می‌رساند از آیه استفاده میشود که کافران نه تنها از نظر منطق بلکه از نظر نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و خلاصه از هیچ نظر بر افراد با ایمان، چیره نخواهند شد.» (مکارم شیرازی، 1374، ج 4، ص 175) طبرسی می‌گوید درباره این جمله اقوالی است: « 1- ابن عباس گوید: یعنی خداوند، یهود را بر مؤمنان پیروزی و غلبه نداده است.

2- سدی و زجاج و بلخی گویند: یعنی خداوند، برای مردم کافر بر مؤمنان، غلبه منطقی و استدلالی قرار نداده است. اگر چه ممکن است اهل کفر، از نظر قدرت و نیرو، بر اهل ایمان غالب آیند، لکن از لحاظ دلیل و منطق، در برابر اهل ایمان پایشان چوبین است.

برخی گفته‌اند: یعنی خداوند برای کافران در آخرت، غلبه قرار نداده است، زیرا بدنبال جمله: «فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» قرار گرفته است. بدین ترتیب منظور خداوند این است که اگر اهل کفر را بر اهل ایمان از راه قتل و غارت و اسیر- کردن، غلبه‌ای باشد، لکن در روز قیامت، هیچگونه غلبه‌ای بر ایشان ندارند.» (طبرسی، 1369، ج 6، ص 106) ابن کثیر چند نقل قول را بیان می‌کند: عبدالرزاق به طریقه ی نقل از امام علی (ع) نقل می‌کند: منظور از این آیه غلبه و تسلط نهایی در روز قیامت است. از ابن عباس هم نقل شده: به معنای روز قیامت است، سُدّی می‌گوید سبیل یعنی حجت. مفسر می‌گوید: ممکن است مراد غلبه در دنیا باشد نه روز قیامت، یعنی خدا هیچ تسلطی در دنیا برای کافران بر مومنان قرار نمی‌دهد. (ابن کثیر، 1420، ج 2، ص 436) ابن عاشور می‌گوید: سبیل یعنی تاخت و تاز کفار (ابن عاشور، 2000م، ج 4، ص 287) آلوسی سبیل را به معنای حجت تفسیر نموده است. (آلوسی، 1415، ج 3، ص 168) واژه‌ی سبیل در آیه 141 دارای 3 وجه معنایی است که مفسرین به آن اشاره کرده‌اند: 1- غلبه و تسلط 2- تاخت و تاز 3- حجت. مضمون کلی آیه پیرامون غلبه‌ی گروهی بر گروه دیگر است در جنگ‌ها و اینکه منافقین هرگاه پیروزی از آن مومنین باشد می‌گویند ما باشما بودیم و هرگاه بهره‌ای نصیب کافران گردد به آنان می‌گویند ما مشوق شما بودیم، لذا معنای غلبه و تسلط همخوانی بیشتری با بافت معنایی آیه دارد.

آیه یازدهم: { ... وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا } نساء/ 143

صاحب المیزان در مورد معنای سبیل می‌گوید: یعنی راه مسقیمی برای آنان نیست (طباطبایی، 1374، ج 5، ص 191) در تفسیر نمونه به معنای نجات تفسیر شده است (مکارم شیرازی، 1374، ج 4، ص 179) طبرسی می‌گوید: یعنی هیچ راهی و مذهبی ندارند. (طبرسی، 1360، ج 6، ص 110) ابن کثیر در تفسیر این آیه می‌گوید: یعنی هیچ هدایتگری برای او نیست (ابن کثیر، 1420، ج 2، ص 440) در التحریر چنین تفسیر شده است: یعنی هیچ راهی به سوی هدایت برای او وجود ندارد (ابن عاشور، 2000م، ج 4، ص 290) آلوسی می‌گوید: یعنی راهی که او را به حق و راستی برساند علاوه بر اینکه او را هدایت کند. (آلوسی، 1415، ج 3، ص 170)

مفسرین برای واژه‌ی سبیل در این آیه 4 وجه معنایی عنوان نموده‌اند: 1- راه مستقیم 2- نجات 3- هدایتگر 4- هدایت. همانطور که در آیه 88 به این عبارت در ضمن آیه پرداختیم، به نظر می‌رسد در این جا نیز با تکیه بر همان دلیل، معنای هدایتگر ساختار معنایی زیباتری به آیه می‌دهد.

آیه دوازدهم: { ... وَيُرِيدُونَ أَنْ يُتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا } نساء/ 150

صاحب المیزان می‌گوید: یعنی می‌خواهند راهی میانه را بین کفر و ایمان انتخاب کنند (طباطبایی، 1374، ج 5، ص 206) نیز آلوسی به معنای میانه اشاره می‌کند (آلوسی، 1415، ج 3، ص 179) طبرسی این واژه را چنین تفسیر می‌کند: «می‌خواهند، در این میان، راهی بسوی ضلالتی که خود پدید آورده و بدعتی که خود ابتکار کرده‌اند، انتخاب و مردم جاهل را بسوی آن دعوت کنند.» (طبرسی، 1360، ج 6، ص 122) ابن کثیر می‌گوید یعنی می‌خواهند چنین مسلکی را در پیش گیرند (ابن کثیر، 1420، ج 2، ص 445) ابن عاشور می‌گوید: یعنی می‌خواستند برای نجات از عذاب آخرت با مومنین باشند و نیز برای دستیازی به آمال پوچ دنیوی خویش راه کفر مخفیانه را نیز پیمودند به این صورت راه نفاق را گشودند و منافقین شکل گرفتند. (ابن عاشور، 2000، ج 4، ص 298) همانطور که ملاحظه می‌شود تمامی مفسرین به در پیش گرفتن راهی بین کفر و ایمان اشاره کرده‌اند.

2. 4 سبیل الله

واژه‌ی "سبیل" در ترکیب اضافی سبیل الله به طور کلی 69 بار در قرآن آمده است این واژه در سوره‌ی نساء 11 بار بکار رفته است. مفسرین وجوه معنایی زیادی برای این ترکیب برشمرده‌اند، که ابن منظور درباره‌ی آن می‌گوید: ترکیب اضافی سبیل الله معانی زیادی دارد که همه‌ی این معانی در حیطه‌ی فضائل اخلاقی و معنوی و دینی قرار می‌گیرد. (ر.ک ابن منظور، 1119، ج 3، ص 1930) ذیلا کلیه آیاتی که واژه سبیل در آنها بصورت مضاف آمده است، می‌آید:

آیه اول: {فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا} نساء/ 74

مکارم شیرازی می‌گوید: سبیل الله یعنی زنده کردن اصول حق و عدالت و پاکی و تقوی. (مکارم شیرازی، 1374، ج 4، ص 9) طبرسی می‌گوید یعنی دین خدا. (طبرسی، 1360، ج 5، ص 236) ابن عاشور در تفسیر سبیل الله در این آیه به معنای حصول و دستیابی به ثواب آخرت اشاره می‌کند. (ر.ک ابن عاشور، 2000، ج 4، ص 185)

مفسرین 3 وجه معنایی برای واژه‌ی سبیل ذکر نموده‌اند: 1- زنده کردن اصول حق و عدالت و پاکی و تقوا 2- دین خدا 3- دستیابی به ثواب آخرت. تمامی این معانی در سیاق معنایی آیه می‌گنجد اما اگر معنای دین خدا را در سیاق آیه در نظر بگیریم شمولیت این معنا، دو معنای ثواب آخرت و زنده کرده حق را نیز در برمی‌گیرد.

آیه دوم: {وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ ... } نساء/ 75

مکارم شیرازی می‌گوید: سبیل الله و المستضعفین در این آیه به اهداف جهاد اشاره می‌کند که از دو هدف خارج نیست: هدف الهی و هدف انسانی. (مکارم شیرازی، 1374، ج 4، ص 10) طبرسی می‌گوید: یعنی چرا در اطاعت از خدا و

عزت بخشیدن دینش جهاد نمی‌کنید؟ (طبرسی، 1360، ج 5، ص 239) ابن عاشور این واژه را به معنای دین خدا و نیز نجات مظلومان تفسیر نموده است. (ابن عاشور، 2000م، ج 4، ص 187)

واژه‌ی سبیل الله در این آیه 3 وجه معنایی دارد: 1- اهداف جهاد 2- اطاعت از خدا و عزت بخشیدن به دینش 3- دین خدا و نجات مظلومان. تمامی این معانی در سیاق معنایی این آیه می‌گنجد و هیچکدام بر دیگری ترجیح ندارد.

آیه سوم: {الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ...} نساء/76
صاحب المیزان می‌گوید: آیه در مورد نیت دو گروه (مومن و کافر) در جنگ است. (طباطبایی، 1374، ج 5، ص 675) مکارم شیرازی سبیل را به معنای هدف تفسیر نموده است. (مکارم شیرازی، 1374، ج 4، ص 12) طبرسی می‌گوید: مومنان در اطاعت از خدا و یاری دین او می‌جنگند و کافران به فرمان طاغوت و یاریش می‌جنگند. (طبرسی، 1360، ج 5، ص 241) ابن کثیر نیز به معنای " اطاعت " توجه می‌کند. (ابن کثیر، 1420، ج 2، ص 358)
مفسرین واژه‌ی سبیل الله را در 3 وجه معنایی تفسیر نموده‌اند: 1- نیت 2- هدف 3- اطاعت. به نظر می‌رسد معنایی که طبرسی و ابن کثیر به آن توجه نموده‌اند، به هسته‌ی معنایی نزدیک‌تر است.

آیه چهارم: {فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...} نساء/84
همه تفاسیر سبیل الله را در این آیه به معنای " راه خدا " تفسیر کرده‌اند. (ر.ک طباطبایی، 1374، ج 5، ص 36) مکارم شیرازی، 1374، ج 4، ص 35؛ طبرسی، 1360، ج 5، ص 269؛ ابن کثیر، 1420، ج 2، صص 368-369؛ ابن عاشور، 2000م، ج 3، ص 1415، ج 3، ص 93)

آیه پنجم: {... حَتَّى يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...} نساء/89
صاحب المیزان و مکارم شیرازی به معنای " در راه اسلام " اشاره نموده‌اند (طباطبایی، 1374، ج 5، ص 45- مکارم شیرازی، 1374، ج 4، ص 52) طبرسی می‌گوید فی سبیل الله یعنی برای دین خدا (طبرسی، 1360، ج 5، ص 282) ابن عاشور در تفسیر این آیه می‌گوید: هجرت برای رسیدن به رضایت خداوند و بخاطر دین است. (ابن عاشور، 2000م، ج 4، ص 212) آلوسی می‌گوید یعنی غرض از مهاجرت باید خدا باشد نه غرض دنیوی! مفسر اشاره می‌کند که این هجرت با 3 غرض انجام می‌شود: اول خروج از دیار کفر، دوم ترک منکرات، سوم حرکت برای جنگ با باطل. (ابن عاشور، 1415، ج 3، ص 105)

وجوه معنایی که مفسرین ذکر کرده‌اند: 1- اسلام 2- دین 3- رضایت خداوند و دین خداوند 4- غرض. هر کدام از این معانی را اگر در ترجمه قرار دهیم معنا و مفهوم کلی آیه را می‌رساند اما نظر ابن عاشور شمولیت و کلیت بیشتری نسبت به نظر مفسرین دیگر دارد. در واقع رضایت خداوند مجموعه‌ی هدف و دین اسلام را نیز در برمی‌گیرد.

آیه ششم: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...} نساء/94
همه‌ی مفسرین سبیل در این آیه را به معنای جهاد و جنگ در راه خدا تفسیر کرده‌اند. (ر.ک طباطبایی، 1374، ج 5، ص 63؛ مکارم شیرازی، 1374، ج 4، ص 73؛ طبرسی، 1360، ج 5، ص 310؛ ابن عاشور، 2000م، ج 4، ص 225؛ آلوسی، 1415، ج 3، ص 114)

آیه هفتم: {... وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...} نساء/95

مکارم شیرازی می‌گوید: سبیل الله در این آیه یعنی اعلاى كلمه حق (مکارم شیرازی، 1374، ج 4، ص 77) طبرسی می‌گوید: سبیل یعنی دین (طبرسی، 1360، ج 5، ص 313) نیز آلوسی به معنای " دین " توجه می‌کند. (آلوسی، 1415، ج 3، ص 117)

مفسرین واژه‌ی سبیل الله را در این آیه با دو وجه معنایی تفسیر نموده‌اند: 1- اعلاى كلمه‌ی حق 2- دین. هر دو وجه معنایی در بافت معنایی آیه قابل اجراست.

آیه هشتم: {وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...} نساء/ 100

در تفسیر المیزان آمده است: سبیل الله در این آیه به معنای طلب رضایت خداست (طباطبایی، 1374، ج 5، ص 83) طبرسی به نقل از حسن از پیامبر (ص) در باره (وَمَنْ يُهَاجِرْ) نقل می‌کند: یعنی هر کس که بخاطر دینش مهاجرت کند. (طبرسی، 1360، ج 6، ص 11) در التحریر نیز به این معنا اشاره شده است (ابن عاشور، 2000م، ج 4، ص 237) دو وجه معنایی که مفسرین به آن توجه نموده‌اند: 1- طلب رضایت خداوند 2- دین. هسته‌ی معنایی که سیاق کلی آیه می‌طلبد باید همه‌ی جوانب موضوعی آیه را دربر بگیرد، لذا معنایی که آیت الله طباطبایی ذکر کرده‌اند با توجه به اینکه رضایت خداوند؛ دین را نیز شامل می‌شود؛ شمولیت و کلیت بیشتری به معنای آن می‌دهد.

آیه نهم: {... وَبَصَدَّهُمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا} نساء/ 160

طبرسی سبیل الله را دین خدا تفسیر می‌کند. (طبرسی، 1360، ج 6، ص 143) و ابن کثیر به معنای " پیروی از حق " می‌داند (ابن کثیر، 1420، ج 2، ص 467) و ابن عاشور به معنای " تقوا " توجه می‌کند (ابن عاشور، 2000م، ج 4، ص 311) آلوسی می‌گوید: یعنی رسیدن به خداوند. (آلوسی، 1415، ج 3، ص 160)

مفسرین 4 وجه معنایی ذکر نموده‌اند: 1- دین خدا 2- پیروی از حق 3- تقوا 4- رسیدن به خداوند. همه‌ی معنای ذکر شده در ساختار معنایی آیه می‌گنجد و حتی در کنارهم قرار گرفتن این معانی در سیاق آیه، نیز مقبول است.

آیه دهم: {إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ...} نساء/ 167

صاحب المیزان می‌گوید: سبیل الله یعنی کتاب خدا (طباطبایی، 1374، ج 5، ص 232) طبرسی می‌گوید: یعنی دین خدا (طبرسی، 1360، ج 6، ص 157) ابن کثیر به معنای تبعیت و پیروی از حق تفسیر کرده است (ابن کثیر، 1420، ج 2، ص 476) و آلوسی می‌گوید یعنی راه راست. (آلوسی، 1415، ج 3، ص 167)

وجوه معنایی واژه‌ی سبیل الله در این آیه: 1- کتاب خدا 2- دین خدا 3- پیروی از حق 4- راه راست. هر کدام از معانی ذکر شده هسته‌ی معنایی واژه را حفظ می‌کند.

3. 4 سبیل المؤمنین

ترکیب اضافی سبیل المومنین فقط یکبار در آیه 115 بکار رفته است که مفسرین پیرامون آن 6 وجه معنایی را ذکر نموده‌اند:

{... وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ...} نساء/ 115

طباطبایی می‌گوید: سبیل مومنین یعنی اطاعت از رسول خدا (ص) (طباطبایی، 1374، ج 5، ص 131) مکارم شیرازی می‌گوید: توحید و خدا پرستی و اصل اسلام است (مکارم شیرازی، 1374، ج 4، ص 130) طبرسی به معنای "دین مومنین" تفسیر کرده است (طبرسی، 1360، ج 6، ص 50) ابن کثیر می‌گوید: یعنی مخالفت با شرع و حاکم شرع (ابن کثیر، 1420، ج 2، ص 412) ابن عاشور می‌گوید: سبیل استعاره است برای اعتقادات و افعال و عادات و سنت‌ها که

ملازم انسان است و قابل تغییر و تحول نیست. (ابن عاشور، 2000م، ج4، ص 254) آلوسی می‌گوید: سبیل مومنین یعنی ایمان (آلوسی، 1415، ج3، ص 141)

بنابراین مفسرین 6 وجه معنایی ذکر نموده‌اند: 1- اطاعت از رسول خدا 2- توحید و خداپرستی و اصول اسلام 3- دین 4- شرع و حاکم شرع 5- اعتقادات و سنت‌ها و عادات 6- ایمان. تمامی این وجوه در بافت معنایی آیه می‌گنجد.

4.4 سبیل الطاغوت

واژه سبیل در ترکیب اضافی سبیل الطاغوت تنها یکبار در آیه 76 بکار رفته است. این واژه متناسب با مضاف‌الیه خود بار معنایی متفاوتی می‌گیرد. مضاف الیه (واژه طاغوت) بار معنایی منفی به این واژه در آیه زیر القا نموده است:

{ ... يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ ... } نساء/76

طباطبایی و طبرسی به معنای «نیت» اشاره نموده‌اند (طباطبایی، 1374، ج5، ص 675) و ابن کثیر بمعنی اطاعت می‌داند. (ابن کثیر، 1420، ج2، ص 358) بنابراین مفسرین 2 وجه معنایی برمی‌شمرند: 1- نیت 2- اطاعت. هر دو معنا در مضمون کلی آیه می‌گنجد، یعنی می‌توان گفت کافران به نیت اطاعت از طاغوت می‌جنگند.

5.4 ابن السبیل - عابر السبیل

واژه‌ی «ابن السبیل» یکبار بار و واژه‌ی «عابر السبیل» نیز فقط یکبار در سوره نساء آمده است.

آیه اول: { ... وَابْنِ السَّبِيلِ ... } نساء/36

صاحب‌المیزان واژه ابن سبیل را به معنای کسی که در سفر فقیر شده است تفسیر نموده است. (طباطبایی، 1374، ج4، ص 562) مکارم شیرازی نیز به همین معنا اشاره می‌کند. (ر.ک مکارم، 1374، ج3، ص 383) طبرسی علاوه بر اشاره به معنای مسافر، به معنای مهمان هم اشاره کرده است. (طبرسی، 1360، ج5، ص 142) ابن کثیر به نقل از ابن عباس به معنای "ضیف" یعنی مهمان اشاره می‌کند و سپس مفسر به نظر ضحاک و مقاتل ابن سلیمان توجه می‌کند و معنای دیگری هم برای این واژه ذکر می‌کند: ابن سبیل یعنی کسی که در سفر گذرش به شما می‌خورد. (ابن کثیر، 1420، ج2، صص 300-301) ابن عاشور می‌گوید: ابن سبیل یعنی انسان غریبی که بر قومی رهگذر باشد و اقامت نکند. (ابن عاشور، 2000م، ج 4، ص 124)

مفسرین 4 وجه معنایی برای واژه‌ی ابن سبیل در این آیه برشمرده‌اند: 1- کسی که در سفر فقیر شده باشد 2- مسافر 3- انسان غریبی که بر قومی رهگذر باشد و اقامت نکند 4- مهمان. از میانی معانی ذکر شده 3 معنای اول هسته‌ی معنایی جمله را می‌رساند و با بافت کلی آیه همخوانی بیشتری دارد.

آیه دوم: { ... جُنْبًا إِلَّا عَابِرِ سَبِيلٍ ... } نساء/43

مکارم شیرازی دو توجیه پیرامون واژه‌ی "عابر سبیل" ذکر می‌کند: اول اینکه عابر سبیل یعنی کسی که مسافر است، و دوم صلاة را در معنای محل نماز گزاردن یعنی مسجد تفسیر کنیم و در پی آن عابر سبیل یعنی کسی که فقط از مسجد عبور می‌کند و در آن توقف نمی‌نماید، یعنی می‌توانید در حال جنابت عبور از مسجد بگذرید. (مکارم شیرازی، 1374، ج3، ص 397) طبرسی نیز به دو توجیه اشاره می‌کند: 1- در حالت جنابت، به نماز نزدیک مشوید مگر اینکه مسافر باشید، در این صورت می‌توانید نماز را به تیمم بخوانید. 2- در حالت جنابت وارد مساجد مشوید، مگر اینکه راهگذار باشید. (طبرسی، 1360، ج5، ص 161)

واژه‌ی عابر سبیل در کتاب التحریر به معنای مسافر تفسیر شده است یعنی مسافری که گذرا از مسجد عبور می‌کند و در آنجا توقف نمی‌کند. (ابن کثیر، 1420، ج 2، ص 311) و مفسر به نقل از ابن ابی حاتم از امام علی (ع) نقل می‌کند که ایشان فرمودند: عابر سبیل در این آیه یعنی مسافری که جنابت دارد و به آب دسترسی پیدا نکرده که غسل بگیرد. (ابن کثیر، 1420، ج 2، ص 312) مفسر به نقل از ابن جریر می‌گوید: خداوند حکم مسافر را در ادامه‌ی آیه بیان فرموده و عابر سبیل به معنای رهگذر است که فقط عبورا از مسجد می‌گذرد و قصد توقف و نماز ندارد. (ابن کثیر، 1420، ج 2، ص 313) ابن عاشور می‌گوید: عابر سبیل در کلام عرب به مسافر در هنگام سفرش گفته می‌شود و برخی علماء نیز آن را به معنای رهگذر تفسیر کرده اند. (ابن عاشور، 2000، ج 4، ص 135) آلوسی به سه معنا اشاره میکند و می‌گوید: 1- رهگذر 2- مسافر 3- معذورین به عذر شرعی. (ر.ک آلوسی، 1415، ج 3، ص 39)

همانطور که ملاحظه می‌شود مفسرین برای واژه‌ی عابر سبیل 4 معنا ذکر نموده است: 1- مسافر 2- رهگذر 3- مسافری که گذرا از مسجد عبور کند 4- معذورین به عذر شرعی. با توجه به اینکه حکم مسافر پس از آن بیان شده است لذا عابر سبیل را بهتر است در معنای چهارم در نظر بگیریم.

نتیجه:

بخش عمده‌ای از ساختار اعجاب برانگیز عبارات قرآنی را الفاظ چند معنا تشکیل می‌دهد، پدیده‌ی چند معنایی واژگان قرآنی، بخشی از تار و پود شبکه‌ی معنایی گسترده‌ی قرآن را نشان می‌دهد.

وجود واژگان چند معنا در متن، ابهام معنایی ایجاد می‌کند؛ مفسران با توجه به بافت معنایی و زمینه‌ی کلی مضمون آیه، این واژگان را تفسیر نموده و ابهام زدایی می‌کنند تا معادل مناسب با متن را ارائه دهند.

سبیل از جمله واژگان چند معنا در قرآن کریم است که با بیش از 12 بار معنایی، نظر بسیاری از لغویون و مفسرین را به خود جلب کرده است. بیشترین کاربرد این واژه در قرآن مربوط به سوره نساء است که در هر بار کاربرد، معنای متناسب با آیه و متن را می‌یابد.

نتیجه‌ی بررسی و تحلیل پدیده‌ی چند معنایی در این پژوهش نشان داد که سیر معنایی این واژه با توجه به بافت معنایی آیات معانی مختلفی نزد مفسرین می‌یابد که عموماً بار معنایی مثبت دارد و گاه منفی.

بیشترین کاربرد این واژه در بار معنایی مثبت و مقدس است همچون راه حق، اسلام، دین خدا، ثواب، راه علاج، هدایت، هدایتگر، تدبیر، اطاعت از خدا، ایمان، طلب رضایت خدا، چاره، سعادت، فرج و گشایش، بهشت و غیره.

ابعاد معنایی منفی که در کاربرد این واژه ملاحظه شد، عبارتند از: تعدی، تنبیه، مجازات، بهانه جویی و آزار و اذیت، تاخت و تاز و غیره.

مفسرین در تفسیر این واژه در هر آیه دیدگاه متفاوت و گاه مشابهی دارند که این مهم بیانگر توجه و دقت نظر مفسرین به پدیده‌ی چند معنایی است.

همه‌ی معانی که مفسرین بدان اشاره دارند در بافت معنایی آیه قابل اجرا است؛ آنچه پدیده‌ی چند معنایی به آن می‌پردازد ترجیح معنایی است که با بافت کلی آیه همخوانی بیشتری دارد؛ یعنی در پدیده‌ی چند معنایی، هدف رد یا اثبات نظریه یا دیدگاه هیچکدام از مفسرین نیست.

منابع:

- قرآن کریم
- ابن العاشور، محمد الطاهر، (2000)، تفسیر القرآن العظیم، دار طیبہ للنشر و التوزیع
- ابن سلیمان بلخی، مقاتل، (2006)، الوجوه و النظائر فی القرآن العظیم، محقق: الدكتور حاتم صالح الضامن، دبی، مطبوعات مرکز جمعه الماجد للثقافه
- ابن کثیر، ابو الفداء اسماعیل بن عمر، (1420)، تفسیر القرآن العظیم، دار طیبہ للنشر و التوزیع
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (1119)، لسان العرب، بیروت، دارالمعارف
- ابوزید، نصر حامد، (1990)، مفهوم النص دراسه فی علوم القرآن، مصر، الهیئه المصریه العامه للکتاب
- آلوسی، شهاب الدین عبدالله، (1415)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دارالکتب العلمیه
- زکریا، احمد بن فارس، (1979)، معجم مقاییس اللغه؛ دارالفکر،
- سیوطی، جلال الدین، (1998)، معترک الاقران، بیروت، دارالکتب العلمیه
- طباطبایی، محمد حسین، (1374)، ترجمه تفسیر المیزان، موسوی همدانی، محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم
- طبرسی، فضل بن حسن، (1360)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ اول
- طیب حسینی، محمود، (1389)، چند معنایی در قرآن کریم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم
- -----، (1387)، « بررسی مبانی فرامتنی چند معنایی در قرآن کریم»، پژوهش و حوزه، 33، صص 80-113
- عسکری، ابوهلال، (2007)، الوجوه و النظائر، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیة، چاپ اول
- مکارم شیرازی، ناصر، (1374)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول
- نهیرات، احمد & محمدیان، عباد، (1392)، «نگرشی به نظام چند معنایی در قرآن کریم»، پژوهش‌های زبان شناختی قرآن، 4، صص 119-137

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



PROPOSAL
پروپوزال

پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

دکتره تهرانی

کارگاه آنلاین
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی



روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی

دکتره تهرانی

کارگاه آنلاین
روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی



ISI
Scopus

آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو

دکتره تهرانی

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو